

روش‌شناسی تفسیر کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل*

مجتبی نوروزی**

سید ابوالقاسم موسوی***

چکیده

از جمله مباحثی که در عصر کنونی مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های قرآنی قرار گرفته است، روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم می‌باشد. این اهمیت و توجه به ابعاد مختلف روش‌شناسی تفسیر از آن جهت می‌باشد که باعث دستیابی به روش صحیح تفسیر قرآن کریم می‌شود. همچنین زمینه را برای طبقه‌بندی تفاسیر بر مبنای معیارهای روش‌شناسی فراهم و الزامات روش‌شناسی تفاسیر را بیشتر روشن می‌کند. یکی از تفاسیر قابل توجه و مهم در قرن هشتم هجری، تفسیر کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل، معروف به تفسیر حداد یمنی می‌باشد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و همچنین گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای، سعی شده است تا روش‌ها و گرایش‌های تفسیری این مفسر مورد مذاقه قرار گیرد. لذا در بررسی این تفسیر و با توجه به این‌که روش مفسر، بهره‌گیری از روش‌های نقلی، عقلی، و اجتهادی همراه با گرایش‌های لغوی، کلامی و فقهی در تفسیر است، این نتیجه حاصل شد که روش تفسیری ایشان، روشی نسبتاً جامع در تفسیر قرآن کریم می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل، ابوبکر حداد یمنی، روش تفسیری، گرایش تفسیری، تفسیر جامع.

*- تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۳

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد مقدس،

*** کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس
s.a.mosavi.quran.ac@gmail.com

m.noruzi@quran.ac.ir

مقدمه

کاربرد روش تفسیر در مورد قرآن کریم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که استفاده از برخی روش‌ها ممنوع و حرام است و در احادیث نیز بر این اهمیت پافشاری شده به گونه‌ای که اگر کسی با روش خطایی -تفسیر به رأی- به تفسیر قرآن بپردازد و به مطلب صحیحی دست یابد، باز هم خطا کرده است؛ به عبارت دیگر پیمودن روش صحیح تفسیری موضوعیت دارد و شناخت روش‌ها و گرایش‌های تفسیری برای هر مفسر قرآن لازم و ضروری است و ارزش و اهمیت هر تفسیر بستگی به روشی دارد که مفسر در کتاب خود به‌کار برده است و از ضرورت‌های مباحث علوم قرآنی است، زیرا برداشت مفسران از مراد خداوند، یکسان و هماهنگ نبوده و این ناهماهنگی در استنباط از قرآن، معلول روش‌های متفاوت مفسران یا تفاوت در استفاده از روش‌ها می‌باشد.

تفسیر کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل، از تفاسیر قرن هشتم هجری اثر ابوبکر بن علی حداد یمنی، نسبت به دیگر تفاسیر عامه ناشناخته بوده و این خود انگیزه‌ای برای بررسی و شناخت روش‌های این تفسیر بوده است. این تفسیر از مهم‌ترین آثار حداد یمنی و تفسیر کامل قرآن می‌باشد که مفسر در آن به جمع عقل و نقل، (یا به تعبیری روایت و درایت) پرداخته است. حداد یمنی تنها به گردآوری آرای سابقین بسنده نکرده بلکه در موارد بسیاری آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده و آنچه به نظرش درست آمده برگزیده است و تفسیر خود را بر این اساس به‌طور کامل و جامع تالیف نموده است. در این پژوهش در جستجوی روش‌ها و گرایش‌ها و منابع مفسر در تفسیر قرآن هستیم و اینکه این روش‌ها و منابع مورد

استفاده چه میزان اهمیت و اعتبار داشته و همچنین شیوه برخورد و نحوه استفاده مفسر از این منابع به چه صورت می‌باشد. لذا به تجزیه و تحلیل بیان‌های مفسر بر اساس توصیف روش‌ها و گرایش‌های تفسیری ایشان می‌پردازیم. همچنین با توجه به اینکه شناسایی روش تحقیق و تفسیر می‌تواند اطلاعات فراوانی در زمینه اعتبار یا عدم اعتبار یک اثر را در اختیار پژوهشگران قرار دهد. لذا شناخت روش تفسیری حداد یمنی نیز دارای اهمیت می‌باشد، چرا که اولاً به روش‌های تفسیری و منابع مورد استناد این مفسر پی خواهیم برد، ثانیاً اهمیت و اعتبار این اثر و همچنین دانش و آگاهی مفسر، با شناخت روش تفسیری وی برای ما نمایان خواهد شد.

در رابطه با این تفسیر، پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است؛ تنها کتابی با عنوان () تألیف دکتر محمد ابراهیم یحیی - محقق تفسیر حداد یمنی - وجود دارد که به دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول آن به مباحث قرآنی مانند نزول، جمع، تفسیر و ... پرداخته و در بخش دوم به زندگینامه علمی حداد یمنی و همچنین تفسیر وی و برخی روش‌ها و مباحث بصورت ناقص پرداخته است که محقق محترم در همه این موارد فقط طریقه تفسیری حداد یمنی در تفسیرش را ذکر کرده و در هیچ کدام از زمینه‌هایی که دارای نقد و رد می‌باشند - مثل اسرائیلیات در ذیل روش تفسیر روایی یا رؤیت خداوند در ذیل گرایش کلامی و همچنین مباحث علوم قرآنی (البته بجز مبحث قرائات) - هیچ نقد و بررسی و یا اشاره‌ای نکرده است.

۱) شخصیت علمی حداد یمنی

فخرالدین ابوبکر بن علی بن محمد حداد عبادی زبیدی یمنی، فقیهی حنفی بود که در زبید (از شهرهای یمن) می‌زیست و در سال ۸۰۰ هجری در همان مکان درگذشت.

(زرکلی، ۱۹۸۹م، ۶۷/۲) حداد یمنی علوم مطرح زمان خود را که در آن زمان ضمن جلساتی در مساجد و مدارس نظامی به دستور حاکمان دولت وقت برگزار می‌شدند- از جمله علوم تفسیر و حدیث و فقه و علم کلام و علوم لغت و نحو را زیر نظر علمای کشور خود فرا گرفت. از جمله استادان وی علاوه بر پدرش، شیخ علی بن نوح و علی بن عمر علوی (م ۸۲۵ هـ) و ابوبکر بن علی بن موسی هاملی (م ۷۶۹ هـ) بودند. (یحیی، ۲۰۰۲م، ۳۴۷ و ۳۴۸)

محققان او را به عنوان فقیهی توانا و همچنین مفسری مشهور در یمن که در بیشتر علوم تبحر داشت معرفی کرده‌اند؛ وی تفسیری را تالیف کرده است که مردم یمن آن را به اسم تفسیر حداد می‌شناسند. حداد یمنی از خاندانی بود که ریشه در علم و دانش داشتند. وی بیشتر علوم را در محضر پدرش فراگرفت و در آنها فقیه شد، ایشان تالیفات زیادی را در زمینه‌های علوم مختلف به رشته تحریر درآورد. (یحیی، ۲۰۰۲م، ۳۴۸) شوکانی در کتاب البدر الطالع وی را چنین توصیف می‌کند: ایشان (حداد یمنی) اهل زهد و ورع و عبادت بودند. (الشوکانی، بی‌تا، ۱۶۶/۱) برخی از علما او را یکی از بزرگترین علمای مذهب حنفی در یمن معرفی می‌کنند و می‌گویند: از مذاهب فقهی اهل سنت، مذهب فقهی امام ابوحنیفه است که از اتباع این مذهب، جماعتی از فقها در یمن هستند که از جمله آنها حداد یمنی است که تالیفات گرانبهای وی بیشتر از بیست جلد هستند، ایشان (حداد) در سال هشتصد هجری در یمن درگذشت. (ایازی، ۱۳۸۶، ۹۷۰/۲)

حداد یمنی تالیفات و تصنیفات گرانبهایی دارد که هیچ‌کس از علمای حنفی یمن تالیفاتی این‌چنین از لحاظ کمیت و کیفیت و فایده تالیف نکرده است، تالیفات حداد به بیست جلد می‌رسد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل (تفسیری که در حال روش‌شناسی و معرفی آن هستیم)
۲. السراج الوهاج الموضع لكل طالب محتاج در شرح کتاب مختصر القدوری.
۳. الجوهرة المنیره، که خلاصه‌ای از السراج الوهاج می‌باشد.
۴. سراج الظلام و بدر التمام، در شرح منظومه شیخ علی بن موسی الهاملی.
۵. النور المستنیر فی الخلافیات، در شرح منظومه النسفی.
۶. الرحیق المختوم. (یحیی، ۲۰۰۲م، ۳۴۸ و ۳۴۹) و (زرکلی، ۱۹۸۹م، ۶۷/۲)

(۲) ساختار کلی تفسیر حداد یمنی

تفسیر کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل توسط دارالمدارالاسلامی بیروت در هفت جلد چاپ شده است. این اثر تفسیری کامل و جامع است که همه آیات قرآن را به شکل کلی در بردارد و مفسر در آن به صورت کلی درباره نزول قرآن کریم صحبت کرده است. وی در تفسیر هر آیه ابتدا به اسم سوره و تعداد آیات و کلمات و حروف آن و مکی و مدنی بودن هر سوره و اقوال مختلف در مورد آن، تعداد آیات و کلمات و حروف سوره و فضیلت سوره‌ها و اسباب نزول آیات توجه کرده است، سپس شروع به تفسیر سوره می‌کند. همچنین روایات و آرای منقول را در تفسیرش به علمای تفسیر خصوصاً صحابه و تابعین نسبت داده است؛ هرچند که در برخی موارد، روایتی را بدون ذکر راوی نقل کرده است. حداد تفسیرش را بدون مقدمه، در بیان () شروع کرده است و در آن به نقل اقوال مفسرین و آرای آنها در این باب پرداخته است. وی اختلاف معنا یا تعدد معنا را با توجه به اختلاف قرائات بیان می‌کند و در توجیه قرائات و توضیح معانی به آیات قرآنی دیگر

استشهاد می‌کند. همچنین در مباحثش نظرات علمای لغت را ذکر می‌کند و اشعار عربی را شاهی بر گفتار و نظرش می‌آورد و در این زمینه اشعاری از دو عصر جاهلی و اسلامی را ذکر می‌کند. از دیگر زوایایی که مفسر به آنها توجه کرده است، روش تفسیر لغوی است که بعد از ذکر آیه و لغات آن، از روایات و اقوال صحابه و تابعین و تابعین آنها در توضیح معنای لغات استفاده می‌کند. (ایازی، ۱۳۸۶، ۹۷۰ و ۹۷۱)

۳) فضای علمی فرهنگی قرن هفتم و هشتم

بررسی مجموعه‌های تأثیرگذاری همانند تفاسیر قرآن کریم، بدون نگاه به بستر تاریخی و فرهنگی و تأثیر و تأثر از فضایی که در آن به نگارش درآمده‌اند، کاری ناقص و سهل‌انگارانه است. از بررسی تفاسیر و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمان، بدست می‌آید که در این دوران تحلیل و اجتهاد در تفاسیر (روش اجتهادی) و همچنین تداوم تنوع و نگارش تفسیر با رویکردهای (گرایش‌های) مختلف و جدید مانند گرایش کلامی، ادبی، فقهی و عرفانی تداوم داشته است. البته رویکرد عالمان فریقین نسبت به روش‌ها و گرایش‌های تفسیری متفاوت بوده است؛ در میان اهل سنت تفسیر بیشتر به صورت تفسیر روایی بوده است. تفاسیر شیعه نیز در قرون هفتم تا نهم در مقایسه با گذشته سیر نزولی داشته است و علت آن اوضاع نابسامان سیاسی (حمله مغول‌ها به کشورهای اسلامی) و اقبال دانشمندان شیعه به فقه و تألیف مهم‌ترین کتاب‌های فقهی بوده است. در این سه قرن حدود سیصد تفسیر نوشته شده که به چهار نوع قابل تقسیم هستند: ۱- ادامه تفاسیر اجتهادی، ۲- تکیه بر تفاسیر روایی، ۳- توسعه تفاسیر آیات الاحکام که بیشتر در قرن نهم مشاهده می‌شود، ۴-

گسترش تفاسیر عرفانی. اوضاع نابسامان سیاسی و حمله مغول‌ها به کشورهای اسلامی در سده هفتم هجری، بیشترین ضایعات را به فرهنگ و تمدن اسلامی وارد کرد. همچنین سقوط بغداد (مهم‌ترین شهر اسلامی و مرکز مسلمانان) یکی از حوادث بزرگی بود که بر توسعه و نشر فرهنگ قرآنی تاثیر منفی داشت. با این وجود تفاسیر مهم و زیادی در این شرایط نوشته شد. (ر.ک: علوی مهر، ۱۳۸۹، ۲۶۴ و ۲۶۵)

۴) روش‌های تفسیری حداد یمنی

ارزش و اعتبار هر تفسیر بستگی به روش یا روش‌هایی دارد که مفسر به کمک آنها به تفسیر قرآن می‌پردازد. روش‌های تفسیری که از آن با عنوان «مناهج» و «مذاهب» تفسیری نیز یاد می‌شود، شیوه‌هایی است که مفسران در تفسیر آیات برای فهم و استنباط مدلول کلام از آن‌ها کمک می‌گیرند. روش‌های تفسیری برخاسته از مبانی است و ارتباط فراوان با منابع و مستندات و ابزارهایی دارد که مفسر در تفسیر و کشف و فهم معانی آیات از آن‌ها کمک می‌گیرند. مثلا اگر مفسری بهترین ابزار و منبع را روایات معصومین (علیهم‌السلام) بداند، منهج و روش تفسیری او اثری یا روایی خواهد بود، و اگر مفسری قرآن را بهترین منبع و شیوه در فهم آیات بداند، روش او تفسیر قرآن به قرآن است. (مؤدب، ۱۳۹۰، ۳۷) در روش‌های تفسیری، مهم شیوه و چگونگی کشف و استخراج معانی و مفاهیم آیات است؛ لذا روش‌های تفسیری بسته به شیوه و ابزارهایی که در فهم قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش قرآن با قرآن و گاهی روایی و یا عقلی و یا ... خواهد بود. حداد یمنی از روش‌های مختلف تفسیری مانند تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به روایات، و تفسیر عقلی-اجتهادی استفاده کرده که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

۴-۱) روش تفسیر قرآن به قرآن

قرآن کریم نخستین و مهم‌ترین منبع تفسیر است. منبع بودن قرآن، علاوه بر آن‌که مقتضای روش عقلایی محاوره است، در آیات قرآن و روایات هم بر آن تاکید شده است و بهره‌گیری از آن در تفسیر، روش تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) به شمار آمده است. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱/۱۲) حداد یمنی آگاهی و تسلط خوبی به تمامی آیات قرآن کریم داشته و برای تفسیر برخی آیات قرآن کریم از برخی آیات دیگر که مشابه یا روشن‌گر معنای آیه بوده، استفاده کرده است و همین باعث شده است که تفسیر وی شیوه تفسیر قرآن به قرآن را به خود بگیرد. در ادامه به نمونه‌هایی از تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر حداد یمنی اشاره می‌شود:

۱) حداد یمنی در تفسیر آیه‌ی «

« (بقره/۳۷)، از تفسیر قرآن به قرآن یاری گرفته است، زیرا ایشان اشاره می‌کند که مراد از کلماتی که حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) و حوا از خداوند آموختند تا توبه نمایند، این کلام خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید: « (اعراف/۲۳) »

(حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۱/۷۰).

۲) حداد ذیل آیه‌ی «

« (بقره/۱۰۸)، به تقاضای قوم موسی و بنی اسرائیل از حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) که یا محال عقلی بوده و یا مصلحت در وقوع آن نبوده، اشاره می‌نماید که مشرکین قریش و یهود زمان پیامبر نیز از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین تقاضایی می‌نمودند، با استشهاد به

« (اسراء/۹۱ و ۹۲) (حدادیمنی، ۲۰۰۳م،

۱/۱۵۴).

« (۳) در تفسیر آیه‌ی »

(انعام/۸۲) آورده است: هنگامی که این آیه نازل شد، بر اصحاب گران آمد و به همین جهت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتند با این وصف هیچ کدام از ما از عذاب در امان نخواهیم بود چرا که یا در مورد خود یا دیگران ستمی روا داشته‌ایم. آن حضرت فرمودند: منظور این نیست که می‌پندارید، بلکه منظور از این (ظلم)، شرک است، آیا در مورد سخن لقمان به پسرش نیندیشیده‌اید که گفت: « (لقمان/۱۳) (حدادیمنی،

۲۰۰۳م، ۳/۵۷).

۲-۴) روش تفسیر روایی

نیازمندی قرآن به سنت، واقعیتی است که از خود قرآن برخاسته است «..

« (نحل/۴۴). به همین لحاظ می‌توان گفت که ریشه-

دارترین و با سابقه‌ترین شیوه تفسیر قرآن، تفسیر روایی است؛ زیرا متصدی آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، و متن اصلی آن روایاتی است که از آن بزرگوار به دست ما رسیده است. حداد یمنی نیز مانند بسیاری از مفسران از روش تفسیر قرآن به کمک روایات بهره برده است؛ البته اکثراً روایاتی را نقل می‌کند که موید نظرات وی باشد و مورد دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که حداد، روایات را بدون ذکر سند از راوی نقل می‌کند، مثلاً ()؛ یا مستقیم از

خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند، مثلاً (قال رسول الله یا روی عن رسول الله)، یا اینکه حتی اسم راوی و منبع را ذکر نمی‌کند و از واژه (قیل: گفته شده) استفاده می‌کند. البته همانطور که در بحث گرایش‌های کلامی در ادامه اشاره خواهد شد، یکی از دلایل کم‌توجهی حداد یمنی به منابع روایی — و نه روایات — تاثیرپذیری وی [و در کل، حنفی‌ها و ماتریدی‌ها] از مکتب معتزلی باشد. حداد یمنی در جای‌جای تفسیر خود از روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و صحابه و تابعین برای تفسیر و توضیح آیات استفاده کرده است. موارد زیر از جمله تفاسیر روایی وی می‌باشد:

۱) مراد از « تسبیحات اربعه می‌باشد؛

در تفسیر حداد یمنی ذیل آیه‌ی «

«(کهف/۴۶)، حدیثی از صحابه و تابعین و پیامبر اکرم

(صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که مصداق « را مشخص

می‌نماید؛ حدیث مذکور این‌گونه است: «

(

«.

(حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۴/۲۵۸).

۲) مراد از «، سوره فاتحه الكتاب است؛

حداد یمنی در مورد آیه « (حجر/۸۷)، از

قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است: «

(

« (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۴/۱۲۰).

مفسر با توجه به روایت مذکور از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به بیان نام دیگر سوره فاتحه الكتاب که همان «سبعاً من المثانی» است، پرداخته است.

۳) مراد از «...»، شهادت دروغ و شرک است؛

حداد یمنی در تفسیر «...» در آیه «...»

«

(حج/۳۰)؛ با استناد به حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مراد از «...» را شهادت دروغ و شرک می‌داند؛ وی در تفسیر آیه مذکور چنین آورده است:

»

() :

«...» در ادامه نیز به ذکر تلبیه برخی از قبایل جاهلی پرداخته که در ذکر آنان شرک و شریک قائل شدن برای خداوند متعال، دیده می‌شود. (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۴/۲۲۴)

۱-۲-۴) اسراییلیات در تفسیر حداد یمنی

اسراییلیات جمع «اسراییلیه» به معنی داستان یا افسانه‌ای که منشاء اسراییلی دارد و سلسله سند داستان به چنان منشأیی ختم شود، اعم از شخص یا کتاب. واژه اسراییلیات گرچه در ظاهر به معنای داستان‌هایی است که از یک منبع یهودی سرچشمه گرفته باشد ولی در اصطلاح مفسران و محدثان، مفهوم وسیع‌تری به خود گرفته و شامل تمامی افسانه‌های کهنی است که از گذشتگان وارد تفسیر و حدیث و تاریخ شده است؛ اعم از اینکه منشاء اصلی آن یهودی، مسیحی یا غیر آن باشد.

(معرفت، ۱۳۸۶، ۲/۵۹۴ و ۵۹۵)

از جمله نقدهایی که به تفسیر حداد یمنی وارد می‌باشد، ذکر و استفاده از داستان‌ها و مطالب اسرائیلی در تفسیر آیات قرآن کریم است. ایشان در موارد زیادی برای تفسیر آیات از این مطالب بهره برده است؛ برای مثال: (ر.ک: حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۳/۲۳۹؛ ۴/۲۷۸؛ ۵/۱۸۲)؛ در ادامه به ذکر مواردی از آن می‌پردازیم:

۱-۲-۴) آفرینش حوا از استخوان دنده حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه‌السلام)

حداد یمنی در تفسیر خود در ذیل آیه سی و پنجم سوره بقره، به داستان خلقت حواء این‌گونه اشاره می‌کند که خداوند، حواء را از استخوان دنده چپ آدم (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) آفرید در حالی که او خواب بود؛ زمانی که آدم (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) بیدار شد زنی را دید که کنار سرش نشسته، به او گفت تو کیستی؟ حواء گفت: من همسر تو هستم که خداوند مرا برای تو خلق کرد. پس از آن ملائکه در مقام سنجش آدم از او پرسیدند که این کیست؟ آدم گفت حواء، چرا که او از حی (زنده) خلق شده است. (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۱/۶۶-۶۹)

۲-۲-۴) ذکر افسانه غرانیق

حداد یمنی در ذیل تفسیر آیه پنجاه و دوم سوره حج، آورده است که مراد از ذکر غیرخدایی که باعث شادی مردم بی‌ایمان و مشرک می‌گردد، ذکر شفاعت مشرکین توسط بتها بود که این امر زمانی اتفاق افتاد که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سوره نجم را در مکه تلاوت می‌نمود و زمانی که به آیات «

* «(نجم/۱۹ و ۲۰) رسید، شیطان در این میان دخالت نمود و بر

زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این کلام را جاری ساخت: «

«، کفار مکه از شنیدن این کلام خوشحال شدند و به شفاعتشان

توسط بت‌ها - در روایت دیگر (ملائکه) - امیدوار شدند و زمانی که قرائت سوره توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به پایان رسید، ایشان سجده نمود و مومنان و کافران همگی برای تصدیق و تعظیم و خوشحالی - از آنچه شنیده بودند - سجده کردند غیر از ولید بن مغیره - در روایت دیگر (به همراه سعید بن العاص) - که پیرمرد و مسن بود، خاک را در کف دست گرفت و بر آن سجده کرد. (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۴/۴۳۵-۴۳۸)

۳-۱-۲-۴) تبیین مصداق درخت ممنوعه، چگونگی ورود ابلیس به بهشت و مکان هبوط ابلیس، مار و طاووس

در تفسیر حداد یمنی ذیل آیات ۳۵ و ۳۶ سوره ی بقره، اشاره نموده است که مقصود از درخت ممنوعه، درخت انگور، و به قولی درخت انجیر است یا درختی که انواع خوراکی‌های بهشتی را دارد. همچنین در ادامه به قصه‌ی چگونگی ورود ابلیس به بهشت در دهان مار اشاره کرده و در پایان به مکان هبوط طاووس در بستان - یا میسان - که منطقه‌ای در سواد عراق است، و مکان هبوط ابلیس در ساحل دریا یا رودخانه‌ی (أیله) که شهری در نزدیکی بصره است، و مکان هبوط مار در (أصبهان) [شاید اصفهان کنونی] اشاره می‌کند.

۳-۴) روش تفسیر عقلی - اجتهادی

عقل به عنوان یک منبع، نیرویی است که در هر انسانی به ودیعت نهاده شده و مجموعه اصول کلی هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی، استلزامات بی واسطه آنها را که بدیهی یا نزدیک به بدیهی می‌باشند، در اختیار انسان قرار می‌دهند. نقش عقل در تفسیر قرآن در چهار محور متصور است:

الف) نقش سلبی: گاه ظاهر آیه‌ای بر خلاف حکم قطعی عقل است، مانند آیاتی که در ظاهر برای خدا جسم قائل است مانند: « (فتح/۱۰)، بر اساس حکم عقل، ظاهر اینگونه آیات را باید به گونه‌ای تفسیر کرد که با مجرد ذات باری تعالی سازگار باشند.

ب) نقش ایجابی: گاه ادله قطعی عقل، ظاهر آیه را تایید و تقویت می‌کند و باید به همان ظهور آیه استناد جست.

ج) نقش تبیینی و توحیدی: عقل در اینگونه موارد نقش ابزاری داشته و متمم منابع دیگر است و می‌توان آن را مصداق تدبر در قرآن دانست.

د) کشف استلزامات: علاوه بر مفاد ظاهری آیات، استلزامات عقلی آن‌ها نیز مقصود خداوند است. (بابایی، ۱۳۸۱، ۳۱۰-۳۱۴؛ رجبی، ۱۳۸۳، ۲۳۷-۲۴۱) در ادامه به مواردی از تفسیر عقلی و اجتهادی در تفسیر حداد یمنی اشاره می‌شود:

۱-۳-۴) جسمانیت خداوند

حداد یمنی در آیه‌ی «

...» (مائده/۶۴) «

(/ -) . در

واقع با استفاده از نیروی عقل، آیه قرآن را تفسیر کرده و دست مادی داشتن خدا را نفی کرده است و اشاره کرده است که مقصود از دست خدا، قدرت اوست. البته لازم به ذکر است که ایشان در آیات دیگر، به نوعی قائل به رویت خداوند می‌باشد که ذیل مبحث گرایش کلامی به آن خواهیم پرداخت.

۲-۳-۴) استوی بر عرش

از جمله مواردی که حداد یمنی به تفسیر عقلی آیات پرداخته است، نظر ایشان در مورد استوای خداوند بر عرش است. برخی از مفسرین و لغویون معنای استوی را به (نشستن) تعبیر کرده‌اند که در این مورد حداد یمنی با ذکر دلایل عقلی - اجتهادی و همچنین با توجه به سیاق جمله و آیه و وجوه معنایی یک واژه، در مورد مفهوم واژه (استوی) پرداخته و نشستن بر عرش را از خداوند نفی کرده و منظور از این سخن را نزدیک کردن موضوع به ذهن دانسته و می‌گوید: «استوی به معنای تسلط و اقتدار کامل بر چیزی داشتن است همانگونه که در کلام و اشعار عرب نیز آمده است؛ برای مثال: استوای یک حاکم بر ملک تحت حکومتش به معنای ولایت و سلطه کامل بر آن است.» (حدادیمنی، ۲۰۰۳، ۱۵۳/۳)

۳-۳-۴) عدم اجتماع نقیضین

توجیه عقلی حداد یمنی ذیل آیه «

« (انبیاء/۲۲)؛ هرچند که این آیه قرآن خود در بردارنده برهان عقلی است، با این حال، حداد یمنی در ذیل این آیه به ذکر دلایل منطقی و عقلی در مورد محال بودن اجتماع و ارتفاع نقیضین می‌پردازد. (حدادیمنی، ۲۰۰۳، ۳۶۵/۴)

۵) گرایش‌های تفسیری حداد یمنی

یکی از مباحث مهم در مکاتب و روش‌های تفسیری، گرایش‌ها یا اتجاهات تفسیری است. مقصود از گرایش، تاثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و شیوه‌های پردازش در تفسیر قرآن است که بر اساس عقاید، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد. (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۲۳)

۵-۱) گرایش لغوی

مقصود از منابع لغوی در تفسیر، هرگونه منبعی است که ما را در فهم معنا و کاربرد واژگان قرآن در زمان نزول یاری دهد. براین اساس قرآن مجید، روایات، سخن صحابه و فرهنگ عامه مردم در دوران نزول، همه از منابع لغوی تفسیر به شمار می‌آیند. به این معنی که با مراجعه به آنها، معانی و کاربردهای واژه‌های قرآنی در عصر نزول روشن می‌گردد. (بابایی، ۱۳۷۹، ۲۹۳)

حداد یمنی در زمینه مباحث لغوی استفاده زیادی از روایات و آرای علمای صحابه و تابعین و اتباع آنان نموده است و نیز از اشعار عربی دو دوره جاهلی و اسلام نیز بهره برده است و می‌توان گفت الگوی ایشان در روش تفسیر لغوی عبدالله بن عباس است که برای فهم واژگان مشکل و غریب قرآن به شعر مراجعه می‌کرده است. (رک: سیوطی، ۱۴۳۲ق، ۳۰۱) تفسیر حداد یمنی در ترجمه‌ی واژه‌ها، از برجستگی و امتیاز ویژه‌ای برخوردار است که در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از روش وی در این زمینه می‌پردازیم:

۵-۱-۱) ارائه‌ی معنای مناسب و روان

حداد یمنی بسیاری از واژه‌ها را بسیار ساده و روان معنا کرده است؛ مانند:

]

[

: [:]

و... (حداد یمنی، ۲۰۰۳م،

۱/۱۸۴ و ۱۹۶ و ۱۹۸ و ۲۱۴ و ۲۲۷ و ۲۳۴ و ۲۷۱ و ۳۱۳؛ ۱۱/۲ و ۲۴۹ و ۲۵۳ و ۳۶۷)

۲-۱-۵) تبیین واژه‌های غیرعربی و غیرحجازی

حداد یمنی به واژه‌هایی که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی شده نیز اشاره کرده است؛ مانند واژه، « در آیه »

« (بقره/۶۳)؛ ایشان درباره این واژه می‌گوید: «گفته شده

این واژه در زبان سریانی به معنی کوه می‌باشد، و همچنین گفته شده هیچ لغتی در دنیا نیست مگر اینکه در قرآن باشد.» (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۱/۱۰۱) حداد در ادامه و در تایید این نظر می‌گوید: «دانشمندان سرشناس گفته‌اند که جایز نمی‌باشد در قرآن لغتی غیر از لغت عرب باشد، چرا که خداوند بلند مرتبه فرموده: »

... « (زمر/۲۸) و نیز فرموده: » ... « (شعراء/۱۹۵)، لذا باید گفت که میان

این‌گونه واژه‌ها یک نوع برابری و توافق [در کاربرد] وجود دارد، [یعنی آن‌چه گمان می‌رود از دیگر زبان‌ها در قرآن آمده، از باب «توارد لغتین» می‌باشد که هر دو لغت، یک لفظ را وضع کرده‌اند، آن‌گاه گمان برده شده که یکی از دو زبان از دیگری گرفته است.]؛ و ما نیز واژه (طور) را در کلام و شعر عرب یافتیم؛ آنجا که جریر می‌گوید: (اگر جنها، سلمی *)

[یکی از زنان جریر] را ببینند به او انس می‌گیرند * و اگر صاحب طور (شخص بلند مرتبه و مقام یا الهه‌ی کوه یا شخصی که در کوه زندگی می‌کند) سلمی را ببیند، پایین می‌آید [و خضوع می‌کند]]» (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۱/۱۰۱ و ۱۰۲) البته حداد در

توجیه کاربرد این واژه در کلام عرب، به شعر جریر بن عطیه خطفی (م ۱۱۱ق) اشاره کرده است، که توجیه ضعیفی می‌باشد، چرا که این شاعر در بعد از اسلام زیسته و فوت کرده است، و لازم بود که از شعر دوران جاهلی در جهت استناد خودش استفاده می‌کرد؛ مگر اینکه بگوییم این بیت شعر متعلق به زمان جاهلیت می‌باشد، که با توجه به تاریخ فوت شاعر آن، این نظر نیز بعید می‌باشد.

حداد یمنی، ذیل تفسیر آیه اول سوره طور نیز اشاره می‌کند که (طور)، کوهی است که در آن‌جا خداوند با حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) تکلم نموده است، و نام آن کوه (زبیر) است؛ همچنین هر کوهی [به صورت عام]، در زبان سریانی (طور) می‌باشد. همچنین از ابو عبیده (م ۲۰۹ق) نقل می‌کند که (طور) در زبان عربی به معنی کوه می‌باشد. (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۳۳۶/۶)

از دیگر واژه‌هایی که حداد یمنی در این زمینه به آنها اشاره می‌کند، موارد ذیل می‌باشند: واژه () در لغت یمنی به معنی ()؛ واژه () در لغت اهل یمن به معنی ()؛ واژه () در لغت حبشی به معنی (مرد، شخص)؛ واژه () در لغت حبشی به معنی (بهشت). (ر.ک: حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۲۲۸/۱؛ ۱۹۳/۳؛ ۴۰۳/۴؛ ۸/۵)

۳-۱-۵) اجتهاد (تضییق و تصرف) در معنای واژه‌ها

حداد یمنی گاه با توضیح خود، مفهوم واژه را محدود کرده، معنای وسیع و کلی آن را به یک مورد خاص نسبت می‌دهد؛ برای نمونه در آیه‌ی «...»

(بقره/۱۸۵)، واژه‌ی (یسر) را به معنای مدارای دین با مریض و مسافر درباره‌ی روزه گرفته است. (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۲۵۳/۱)

برخی از توضیحات وی نیز ناروا بوده، بر هیچ دلیلی استوار نیست؛ برای مثال در آیه‌ی «...» (یوسف/۲۰) در معنای عبارت (بِشَمَنِ

بِخُسِّ) می‌نویسد: برادرانش او را به بیست درهم فروختند؛ همچنین در آیه‌ی «...» (یوسف/۲۲) اقوال مختلفی را نقل کرده و می‌گوید یعنی هجده سال و

نیز در ادامه نظر دیگران را می‌آورد که می‌گویند یعنی بیست و هشت تا سی سال، و سی و دو سال تا چهل سال؛ در آیه‌ی «...» (روم/۴) می‌گوید: ()

یعنی بین سه تا ده سال؛ در آیه‌ی «...» (فجر/۲۳) می‌گوید که جهنم در روز قیامت بوسیله هفتاد هزار زمام حرکت داده می‌شود و بر هر زمام، هفتاد

هزار فرشته است. (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۱۷/۴ و ۱۵/۵؛ ۲۶۹/۵؛ ۲۱۸/۷)

۴-۱-۵) وجوه معنایی

یکی از نکات مهم در ترجمه‌ی آیات، توجه به معانی مختلف واژه‌هاست. برخی از واژه‌ها دارای معانی متعدد هستند و به تناسب هر آیه باید از معنای خاص آن استفاده شود، که امروزه به آن سیاق نیز گفته می‌شود، به این مفهوم که هر واژه با توجه به جایگاهش در جمله و یا آیه، معنای متفاوتی به خود می‌گیرد و به تناسب جمله و یا آیه باید تفسیر و یا ترجمه شود. حداد یمنی در تفسیرش از این دانش بهره برده است و از این طریق به تفسیر و معنی برخی کلمات پرداخته است؛ البته ایشان راجع به این فن اشاره‌ای نکرده است اما با مطالعه و بررسی تفسیرش به این نتیجه می‌رسیم که در تفسیر وی، این دانش و فن نیز به‌کار رفته است که در ذیل

بصورت مختصر، نمونه‌ای از الفاظی که حداد یمنی آنها را در تفسیرش به کمک این فن تبیین و تفسیر نموده، اشاره می‌نماییم.

در ترجمه‌ی واژه « در آیه‌ی » « (فاتحه/۴) نوشته است: یعنی

؛ و در آیه‌ی » «... (بقره/۱۳۲) و «...»

«... (بقره/۲۱۷) و «... (بقره/۲۵۶) نوشته است یعنی

؛ و در آیه‌ی » «... (آل عمران/۱۹) نوشته است یعنی دین

برگزیده و مورد رضایت؛ و در آیه‌ی «...» «... (اعراف/۲۹) و

«...» «... (انفال/۳۹) آن را به معنای طاعت و عبادت گرفته است؛

و در آیه‌ی «...» «... (یونس/۲۲) و «...»

«(زمر/۱۱) این واژه را در معنای اعتقاد و توحید فطری آورده است.

(حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۱/۲۲ و ۱۸۲ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۴۰۶؛ ۲/۲۸؛ ۳/۱۳۷ و ۲۷۵ و ۴۱۲؛

۹۴/۶)

همچنین واژه « در تفسیر حداد یمنی به وجوه مختلفی آمده است که به

چند مورد آن اشاره می‌کنیم: ذیل آیه‌ی «...» «... (بقره/۴۹)،

(سوء) را به (شدت) معنی نموده است؛ ذیل آیه‌ی «

«... (هود/۵۴)، (سوء) را به (جنون) معنی نموده است؛ ذیل آیه‌ی «...»

«... (یوسف/۲۵) در تفسیر حداد آمده است: مراد از (سوء)،

(زنا) می‌باشد، و نیز در آیه‌ی «...» «... به همین معنی

آمده است؛ ذیل آیه‌ی «...» «... (قصص/۳۲)،

حداد در مورد () در این آیه می‌گوید: « یعنی سفیدی که در اثر

بیماری برص نباشد؛ ذیل آیه‌ی «...» «...»

(ممتحنه/۲)، واژه‌ی () را به (دشنام) معنی کرده است. (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۷۹/۱؛ ۴۸۰/۳؛ ۲۱/۴ و ۲۹۴؛ ۲۱۸/۵؛ ۴۵۹/۶)

۵-۱-۵) توجه به جنبه‌های ادبی و بلاغی

حداد یمنی، در تفسیر آیات قرآن همواره به نکات بلاغی و ادبی توجه خاصی داشته است. ایشان در تفسیر آیه‌ی « (فاتحه/۵) به یکی از محسنات کلام در زبان عرب، اعم از آیات قرآن و خطب و کلمات فصحاء که برای بیان کردن مطلبی یا تلویح و اشاره به امری، رجوع از غیبت به خطاب و یا عکس آن می‌نمایند، اشاره کرده است. در ادامه نیز سوالی را مطرح می‌کند که «اگر پرسیده شود که علت این التفات از غیبت به خطاب چه می‌باشد؟ می‌گوییم مانند این مورد در قرآن زیاد وجود دارد، خداوند بلندمرتبه فرمود: «...»

...» (یونس/۲۲) (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۲۳/۱ و ۲۴) در این آیه نیز التفات از خطاب به غیبت وجود دارد، چرا که گفته است: () لذا اگر التفاتی در کلام وجود نداشت، لازم بود از عبارت: () استفاده می‌کرد. همچنین موردی که مسئله التفات را در آیه پنجم سوره حمد پررنگ‌تر می‌کند، فارغ شدن از ستایش پروردگار و شروع به طلب و درخواست از حضرتش می‌باشد، چرا که طلب و درخواست کردن، اقتضای خطاب به طرف خواننده شده را دارد.

از دیگر وجوه ادبی و بلاغی در تفسیر حدادیمنی، اشاره ایشان به عناصر تاکید در زبان عربی ذیل آیه‌ی « (بقره/۱۲) می‌باشد؛ ایشان اشاره می‌کند که این جمله متضمن دو تاکید است؛ () که مفید تنبیه است و () که ضمیر عماد [فصل] و برای تاکید می‌باشد. (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۴۱/۱) لذا از این تاکیدها استفاده می‌شود که تمامی انواع فساد، منحصر و ثابت در این مفسدین است.

۲-۵) گرایش کلامی

تفسیر با گرایش کلامی، روشی است که یک مفسر در تفسیر آیات اعتقادی از مذهب و عقاید خود دفاع می‌کند. مفسر در این شیوه تلاش دارد در هر مناسبتی که ضمن تفسیر آیات پیش می‌آید به اثبات عقیده خود یا نقد و ایراد و ابطال عقیده مخالفان خود بپردازد. (علوی‌مهر، ۱۳۸۱، ۲۳۳)

با توجه به اینکه حداد یمنی یکی از علمای حنفی مذهب است، لذا باید توجه داشت که علمای حنفی در مکتب اعتقادی خود، گرایش فراوانی به ابومنصور ماتریدی (م ۳۳۳ ق) دارند. همچنین نقل شده است که کلام اهل سنت ساخته و پرداخته دو نفر است که یکی حنفی و دیگری شافعی است؛ حنفی، ابومنصور ماتریدی و شافعی، ابوالحسن اشعری است. لذا ریشه مکتب و عقاید کلامی ماتریدی را باید در اندیشه‌های کلامی ابوحنیفه جستجو کرد، چرا که ابوحنیفه پیش از ورود در فقه، کرسی‌نشین استادی کلام در کوفه بود. همچنین این مکتب، یک منهج معتدل میان اهل حدیث و اعتزال می‌باشد؛ و حتی نزدیک بلکه تا حدودی مؤید مکتب اعتزالی‌هاست. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۰، ۵/۴-۱۰)

موارد اختلاف مکتب ماتریدی با مکتب اشعری، فراوان است؛ همچنین در مکتب ماتریدی به عقل بیش از مکتب اشعری توجه نشان داده می‌شود. شماری از مسایل اختلافی این دو مکتب چنین است:

۱. اشاعره حسن و قبح اشیاء را ذاتی و عقلی ندانسته‌اند اما ماتریدی‌ها، همانند معتزله برآنند که اشیاء حسن و قبح ذاتی داشته و عقل به خودی خود آن را درک می‌کند.
۲. اشاعره معتقدند صفات الهی بر دوگونه است؛ صفات فعل که صفاتی حادثند و صفات ذات که صفاتی قدیم‌اند. در برابر این اندیشه، ماتریدیه همه‌ی صفات الهی را صفاتی قدیم دانسته و صفات افعال را به یک صفت ذاتی بازگردانیده‌اند.

۳. اشاعره قائل به جسمانیت خدایند و ماتریدیه آن را انکار می‌کنند. اما رؤیت خداوند در قیامت را انکار نکرده بلکه قائل به این هستند که کیفیت این رویت برای ما روشن نمی‌باشد. البته باید گفت مسئله‌ای که ماتریدیه به آن دقت نکرده‌اند و محل اشکال است همین مساله رؤیت است که مستلزم جسمانیت خداوند است.

۴. اشاعره، قرآن را ناآفریده و قدیم دانسته (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۳ق، ۲۰۶، به نقل از مقالات الاسلامیین) و ماتریدیه باورشان این است که خداوند دارای دو کلام بوده، یکی نفسی و ناآفریده و دیگری کلامی که از اصوات متشکل شده و آفریده است. از دیگر باورهای ماتریدیه می‌توان به ظلم نکردن خداوند و محال عقلی بودن آن نسبت به او، مبتنی بودن افعال خداوند بر مصالح، آزادی انسان در کارهایش و... اشاره داشت. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۰، ۱۲/۴-۲۵)

از خصوصیات تفسیر حداد یمنی بیان دیدگاه‌های کلامی در جملاتی بسیار کوتاه در ذیل آیات صفات می‌باشد که در ادامه به ذکر مواردی از روش کلامی ایشان اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۵) رؤیت خدا

از آنچه در تفسیر حداد یمنی در ذیل آیاتی که به گونه‌ای به رویت خدا اشاره شده، می‌توان پی‌برد که ایشان معتقد است که امکان رویت خداوند در دنیا توسط بندگان وجود ندارد اما می‌توان او را با چشم در آخرت دید. در ادامه با توجه به تفسیر حداد یمنی، به آیات مربوطه در این موضوع و تفسیر آن اشاره می‌نماییم.

در ذیل آیه‌ی « (قیامت/۲۳)، و به واسطه آراء و روایاتی که حداد در ذیل آن آورده است و به نوعی آنها را تایید کرده است، به این نتیجه می‌رسیم که وی قائل به این است که بهشتیان به خداوند تبارک و تعالی با چشم و به طور ظاهر

می‌نگرند. (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۱۲۳/۷) همچنین در ذیل آیه‌ی «
 « (مطففین/۱۵) آورده است که معنای آن این است که کافران و
 جهنمیان در پس حجابی هستند و نمی‌توانند خداوند متعال را ببینند و این معنا و
 دلیل لازم‌هاش این است که دیگران غیر از جهنمیان و کافران می‌توانند خداوند را
 ببینند. (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۱۸۴/۷)

از آنچه حداد به عنوان تفسیر آیات ۲۳ قیامت و ۱۵ مطففین و ۱۱ و ۱۲ نجم و
 ۲۶ یونس آورده است، و هیچ نقد و یا ردّی بر آنها ذکر نکرده، به نوعی می‌توان
 گفت که ایشان معتقد است که مؤمنان، خداوند را در روز قیامت به طور آشکار و
 عینی می‌بینند و آنچه در مورد آیه‌ی «

« (انعام/۱۰۳)، آورده است نیز این مطلب را تایید می‌نماید، زیرا ایشان می‌-
 گوید: «مردم در دنیا خداوند را نمی‌بینند و احتمال دیدن او در قیامت وجود دارد و
 در آیه مذکور دلیلی بر نفی دیدن خدا در قیامت وجود ندارد چرا که رویت، غیر از
 احاطه و درک است.» (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۷۳/۳) هرچند که حداد در برخی موارد
 دیگر تفسیرش به وسیله اجتهاد عقلی، شواهدی را ذکر می‌کند که از لحاظ عقلی
 تجسیم خداوند را نفی می‌کند، (حدادیمنی، ۲۰۰۳م، ۴۴۵-۴۴۷) اما ایشان در این
 آیات قائل به رویت خداوند در قیامت می‌باشد؛ لذا به این نتیجه می‌رسیم که ایشان
 به نوعی قائل به جسمانیت خداوند می‌باشد.

۳-۵) گرایش فقهی

قرآن کریم دارای آیات متعددی در مورد احکام تکلیفی انسان است که در زمان
 پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به این آیات عمل می‌شد و موارد ابهام از

ایشان پرسیده می‌شد؛ در عصر صحابه نیز، از این آیات استنباط می‌شد و به آنها عمل می‌شد و گاهی صحابه در مورد آیات الاحکام اختلاف می‌کردند که اختلاف امام علی (ع) و عمر در مورد اقل مدت حمل و استناد امام به آیات قرآن و تعیین مدت شش ماه مشهود است. (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۴۳۳/۲) مفسران در گرایش فقهی، آیات الاحکام را بر اساس قواعد و اصول فقهی مذهب خود تفسیر می‌کنند. لذا با توجه به اینکه حداد یمنی، حنفی مذهب است، در تفسیر آیات الاحکام نیز به پیروی و دفاع از اصول فقهی مذهب خود برآمده است که در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌شود:

حداد یمنی ذیل آیات (۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره بقره) مبحثی کامل درباره روزه آورده است و احکام آن را در روایات مذکور بیان کرده است. همچنین درباره ماه رمضان به موضوعاتی از قبیل (بزرگداشت و تعظیم ماه رمضان و نام ماه رمضان) و در (اشتقاق واژه رمضان) اشاره کرده است. (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۱/۲۴۰-۲۵۴)

همچنین از بهترین و مهم‌ترین نمونه‌ها در مورد آیات الاحکام می‌توان از آیه ششم سوره مائده (آیه وضو) یاد کرد که فقها و نویسندگان بسیاری، چه در تفسیر و چه در کتب دیگر به آن پرداخته‌اند. حداد یمنی نیز در تفسیر این آیه سعی فراوان داشته که اصول فقهی خود را به اثبات برساند و نیز ردی بر برخی نظرات و تفاسیر بیاورد. ایشان علاوه بر نقل روایات و استشهاد آیات دیگر و نیز نقل آرای برخی صحابه و تابعین و برخی مفسرین، به زوایای مختلف این آیه طبق اصول فقهی مذهب خود پرداخته است. مثلاً در بحث مسح گوش‌ها، حداد یمنی می‌گوید که این عمل، سنت است و بین اهل علم در مورد آن اختلافی نیست و فقط در کیفیت مسح اختلاف وجود دارد؛ حداد در ادامه می‌آورد که در برخی روایات آمده است که

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سرش را مسح می‌کرد و دو انگشت سبابه را برای مسح گوش‌ها قرار می‌داد و می‌فرمود: «گوش‌ها جزء سر است.» (حداد یمنی، ۲۰۰۳م، ۲/۳۸۲-۳۸۷)

نتیجه گیری

۱- با بررسی تفسیر حداد یمنی چنین بدست می‌آید که مفسر برای تفسیر آیات قرآن کریم از روش‌های تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن با روایت، تفسیر عقلی و اجتهادی، و گرایش‌های لغوی، کلامی و فقهی بهره برده است.

۲- حداد یمنی در تفسیر آیات علاوه بر روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از روایات صحابه مانند (حضرت علی (علیه السلام)، ابن عباس، ابن مسعود، ابی ابن کعب و برخی دیگر از صحابه) و تابعین (مجاهدین جبر، سعید بن جبیر، عطاء بن ابی رباح و برخی دیگر از تابعین) نیز بهره برده است. لازم به ذکر است که ایشان، روایات را بدون ذکر سند از راوی نقل می‌کند، و در برخی موارد حتی اسم راوی و منبع را ذکر نمی‌کند.

۳- حداد یمنی از سخن صحابه، لغویون و نیز آگاهی خود نسبت به زبان عربی و لغات سایر زبان‌ها و اشعار جاهلی و اسلامی برای تفسیر لغوی آیات قرآن بهره برده است. همچنین واژه شناسی تفسیر، به دلیل روانی، استناد به آیات، توجه به وجوه معنایی مفید و... بسیار ارزنده و قابل استفاده است. ولی باید توجه داشت که در برخی موارد اجتهادهای بی‌اساسی در این گرایش دارد.

۴- حداد یمنی در تفسیرش از نقل اسرئیلیات و آفات آن در امان نمانده و مطالبی را درباره پیامبران الهی آورده است که دور از شأن آن بزرگواران است.

۵- حداد یمنی در آیات بسیاری بوسیله روش عقلی، جسمانیت خداوند را نفی می‌کند، اما از مجموع آنچه ذیل گرایش‌های کلامی حداد یمنی بدست می‌آید، اینکه وی به نوعی قائل به جسمانی بودن خداوند تبارک و تعالی در سرای آخرت است و مؤمنان می‌توانند او را نظاره کنند.

۶- در مباحث صفات خدا، عصمت پیامبران به خصوص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و... دارای نقاط ضعف فراوانی است، که ناشی از تأثیرپذیری از شرایط زمانه، استفاده از اسرئیلیات و نقل قول‌های ضعیف است.

۷- هرچند که تفسیر حداد یمنی خالی از ضعف و اشکال نیست اما به دلیل علم و دانش مفسر آن و استفاده از روش‌ها و گرایش‌های خوب تفسیری، این تفسیر جزء ارزنده‌ترین تفاسیر عامه به شمار می‌آید که در حال حاضر قابل استفاده می‌باشد.

۸- با توجه به این‌که روش حداد یمنی بهره‌گیری از روش‌های نقلی، عقلی و اجتهادی همراه با گرایش‌های لغوی، کلامی و فقهی در تفسیر می‌باشد، می‌توان روش تفسیری ایشان را روش نسبتاً جامع در تفسیر دانست.

کتابنامه

۱. القرآن الکریم.
۲. ایازی، سیدمحمدعلی؛ (۱۳۸۶)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. بابایی، علی‌اکبر و همکاران؛ (۱۳۷۹)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

۴. بابایی، علی‌اکبر؛ (۱۳۸۱)، مکاتب تفسیری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. الحداد الیمنی، ابوبکر؛ (۲۰۰۳م)، کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل، بیروت، دارالمدار الاسلامی، چاپ اول.
۶. الذهبی، محمدحسین؛ (۱۴۰۹ق)، التفسیر و المفسرون، قاهره، مکتبه وهبه.
۷. رجبی، محمود؛ (۱۳۸۳)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ (۱۳۹۲)، منطق تفسیر قرآن ۲، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ ششم.
۹. الزرکلی، خیرالدین؛ (۱۹۸۹م)، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ هشتم.
۱۰. سبحانی، جعفر؛ (۱۳۹۰)، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق (ع)، چاپ سوم.
۱۱. _____؛ (۱۴۱۳ق)، الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل، (به قلم حسن محمد مکی عاملی)، قم، مرکز جهانی مطالعات اسلامی، چاپ چهارم.
۱۲. السیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر؛ (۱۴۳۲ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۳. الشوکانی، محمدبن علی؛ (بی‌تا)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، قاهره، دارالکتب الاسلامی.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. علوی مهر، حسین؛ (۱۳۸۱)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم، اسوه، چاپ اول.
۱۶. _____؛ (۱۳۸۹)، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ چهارم.

روش‌شناسی تفسیر کشف التنزیل فی تحقیق المباحث و التأویل ۱۹۷

۱۷. معرفت، محمد هادی؛ (۱۳۸۶)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ سوم.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ (۱۳۷۳)، ترجمه قرآن (مکارم)، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم.
۱۹. مودب، سید رضا؛ (۱۳۹۰)، مبانی تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ دوم.
۲۰. الواحدی، علی بن احمد؛ (بی‌تا)، اسباب نزول القرآن، (تحقیق خیری سعید)، قاهره، المكتبة التوفیقیه.
۲۱. یحیی، محمد ابراهیم؛ (۲۰۰۲م)، المدخل الی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالمدار الاسلامی، چاپ اول.